

وضعیت اجتماعی کوفه در آستانه قیام امام حسین علیه السلام

دکتر امیر تیمور رفیعی

استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، محلات، ایران

AmirTeymour_rafiei@yahoo.com

سعید نجفی نژاد (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، نجف آباد، ایران

s.nagafinezhad@gmail.com

چکیده

در آستانه قیام امام حسین(ع)، گروه‌های اجتماعی و مذهبی متعددی در کوفه وجود داشته است و این تنوع از همان آغاز تاسیس این شهر، بعنوان یکی از ویژگی‌های مهم اجتماعی آن مطرح بوده است. یکی از عواملی که تأثیر فراوانی در وقوع حادثه عاشورا داشت، بافت اجتماعی خاص مردم کوفه بوده است. نوع و میزان تأثیرگذاری این خصوصیت اجتماعی کوفه در شکل‌گیری واقعه عاشورا پرسش اصلی این پژوهش است. همچنین این نکته که نسبت دادن صفت بی وفایی به مردم کوفه در تمامی اعصار پس از حادثه عاشورا تا چه حدی می‌تواند صحیح باشد می‌تواند یکی از پرسش‌های فرعی این تحقیق باشد. بنظر می‌رسد منسوب نمودن کوفیان به این صفت بطور مطلق نمی‌تواند منطقی باشد. مقاله پیش رو با روشی توصیفی - تحلیلی به بررسی داده‌های کتابخانه‌ای خویش می‌پردازد.

واژگان کلیدی: کوفه، امام حسین علیه السلام، عاشورا، بی وفایی، بافت اجتماعی.

مقدمه

در مورد وضعیت اجتماعی شهر کوفه در میانه قرن اول هجری و تأثیرات آن بر وقایع مهمی که در این شهر رخ داد مطالبی در کتب و مقالات مختلف نوشته شده است اما مسائل اجتماعی و فرهنگی و روانشناختی کوفه بقدری گوناگون و پیچیده است که نیاز به کاوش‌های علمی بسیار بیشتری دارد. بخصوص برخی نسبت‌های داده شده به مردم کوفه از جمله بی‌وفایی، سست عنصری، فریب کاری، عافیت طلبی و... که هر کدام به نوبه خود جای بحث و بررسی دارد.

در این بین سخنان اهل بیت علیهم السلام و مخصوصاً علی(ع) در مورد شهر کوفه و مردم آن برای بررسی وضعیت اجتماعی آن روزگار کوفه و ترسیم چهره آن می‌تواند بسیار مفید واقع گردد. وجود گروه‌های نژادی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی متعدد و با جهت‌گیری‌های مختلف شرایط ویژه‌ای را در کوفه زمان مورد بحث ما پدید آورده بود که بر پیچیدگی اوضاع می‌افزود. اشرافیت قبیله‌ای عرب در کنار انبوهی از موالی و مسیحیان و یهودیان و حتی مانویان و صابئیان و... شرایط خاص اجتماعی را پدید آورده بود که در بین هیچ کدام از شهرهای جهان اسلام مشابه آن دیده نمی‌شد.

حتی در بین خود مسلمانان هم اختلافات شدید مذهبی و اجتماعی دیده می‌شد، جمعیت قابل توجه شیعیان در کوفه رنگ شیعی به این شهر داده بود که این حالت به هیچ وجه مورد رضایت دولت حاکم اموی و امویان ساکن در کوفه نبود.

همین پیچیدگی‌های اجتماعی بوده است که موجب شده عده‌ای از نظریه پردازان و تحلیل‌گران تاریخ اجتماعی، تحلیل‌های متناقضی در مورد وضعیت اجتماعی کوفه آن روزگار ارائه دهند و باید اذعان داشته باشیم که عده‌ای از نویسندگان برداشت صحیحی از مسائل اجتماعی و بخصوص روانشناختی کوفه نداشته‌اند و از روی ظواهر دست به قضاوت‌هایی زده‌اند

انجام تحقیق در مورد جامعه کوفه به چند دلیل می‌تواند مهم باشد اول اینکه در تاریخ و بویژه تاریخ تشیع چهره‌ای دو گانه از کوفه معرفی گردیده است. از سویی از قداست و شکوه مذهبی آن سخن گفته شده است و از سویی دیگر این شهر و مردم آن بشدت مورد مذمت واقع شده‌اند. اما واقعیت چیست؟ آیا همان است که در افواه عامه مردم رایج گشته است؟ برای پاسخ به این سوال می‌بایست پژوهشهای مفصل تری در این مورد انجام گردد.

علت بعدی که اهمیت این تحقیق و بررسی را بیشتر می‌کند این است که هرچند در مورد وضعیت اجتماعی کوفه مطالبی نگاشته شده است اما بدلیل اینکه کوفه دارای مرکزیت سیاسی بوده

است و بیشتر از این جهت مورد تحقیق و تفحص واقع شده است لذا پژوهش درمورد وضعیت اجتماعی کوفه در دوران مورد بحث مهم بنظر می رسد.

اما مهمترین دلیل برای بررسی اوضاع اجتماعی کوفه در آستانه حادثه کربلا کمک به شناخت شخصیت ابا عبدالله الحسین (ع) است. مردم کوفه در این زمان تاریخ ساز شدند و موضع گیری آنها در ارتباط با واقعه کربلا قرن‌ها سر زبانها بوده است. قسمت اعظم نوع برخورد کوفیان در قبال این واقعه از منظر جامعه شناسی قابل تحلیل است. شناخت جامعه کوفه در آن روزگار به ما کمک خواهد کرد با شرایط پیش روی امام حسین (ع) و افرادی که رویاروی ایشان قرار گرفتند بیشتر آشنا شویم و با نوع تصمیمات اتخاذ شده آنحضرت و رفتار ایشان با این مردم بیشتر آشنا شده و نهایتاً آگاهی‌مان از شخصیت ایشان بالا برود.

و بعنوان آخرین نکته بیان این مطلب ضروری بنظر می رسد که شناخت جامعه کوفه در آن زمای و نوع رفتارهایی که در شرایط خاص داشتند می تواند برای جامعه امروز ما پند آموز و مایه عبرت باشد

می توان گفت جامعه کوفه و رفتار متفاوت مردمان آن شهر که از مخلص ترین افراد تا دغل کارترین آنها در آن برهه خاص نقش ایفا می کردند دریایی از نکات عبرت آموز برای جامعه امروز ما به همراه دارد.

تأسیس شهر کوفه

شهر کوفه در سال ۱۷ ه.ق توسط سعد بن ابی وقاص بنا نهاده شد (طبری، ۱۳۷۲، ج ۵: ص ۱۸۴). شهر کوفه تقریباً در قلب عالم اسلام آن روزگار واقع و بر ایران، حجاز، شام مصر و جزیره مشرف بود (رجبی، ۱۳۷۸: ص ۱۹۴). کوفه روبروی حیره واقع شده است بین زمینی هموار و آبگیر در مشرق و زمینی خشک و پست که در مغرب آن قرار گرفته است (ماسینیون، ۱۳۸۸: ص ۱۳).

بنیانگذاری شهر کوفه بدون تردید نتیجه مستقیم فتح عراق به دست اعراب بوده است. و این مهم در زمانی صورت گرفته که آنها کار تسلط بر عراق را به پایان برده بودند. در این هنگام بود که آنها لزوم برپایی یک دارالحجره را در حاشیه سرزمین‌های فتح شده احساس کردند تا هم کانونی باشد برای مهاجران از راه رسیده و هم پایگاهی نظامی برای مقابله با دشمن (جعیط، ۱۳۷۲: ص ۹). در اندیشه‌ی عمر، کوفه معنی یک پادگان - شهر را می‌داد که گروه‌های مختلف می‌توانستند در آن اقامت کرده، می‌باید در کمال آمادگی وقتی که لازم باشد در دسترس باشند. از این رو اولین مهاجران تازه در این پادگان کسانی بودند که در جنگ قادسیه شرکت جسته بودند و به عنوان اهل ایام و القادسیه شناخته می‌شدند (محمد جعفری، ۱۳۸۹: ص ۱۲۷).

گروه‌های اجتماعی شهر کوفه

قبل از تسلط اعراب بر عراق، افزون بر هزار سال ایرانیان اربابان بلامنازع این سرزمین بوده‌اند (جعیط، ۱۳۷۲: ص ۱۲) و آثار فرهنگ و تمدن ایرانی از گوشه و کنار آن هویدا بود اما بعد از ورود اعراب، وضعیت به گونه‌ای دیگر شد و منطقه رنگ عربی به خود گرفت.

بطور کلی می‌توان جمعیت کوفه را از نظر نژادی به دو بخش عرب و غیر عرب که عرب‌ها به آن عجم می‌گویند تقسیم کرد (صفری فروشانی، ۱۳۹۱: ص ۲۰۹).

عجم‌ها شامل ایرانیان، رومی‌ها، ترک‌ها، نبطی‌ها و سریانی‌ها می‌شدند. بزرگترین گروه ایرانیان را یک گروه چهار هزار نفری با عنوان « حمراء دیلم » تشکیل می‌دادند. پس از پایان یافتن فتوحات و مسلمان شدن ایرانیان، گروه‌های دیگری از ایرانیان در شهر کوفه ساکن شدند که بعضی از آنان به صورت داوطلب به این شهر مهاجرت نموده و بعضی از آنها نیز اسیرانی بوده‌اند که در جنگ به اسارت در آمده و به صورت برده به این شهر آورده شده بودند (همان: ص ۲۱۰). ایرانیان درصد چشمگیری از ساکنان کوفه را از همان آغاز تشکیل می‌دادند (رجبی، ۱۳۷۸: ص ۱۳۲).

بعد از فتح مدائن و تقسیم غنائم خانواده و سپاهیان در خانه‌های مدائن مسکن داده شدند آن گاه به کوفه منتقل شدند (ابن اثیر، بی تا: ص ۲۸۷). آب و هوای خوش و نزدیکی به فرات و ایران و وضعیت اقتصادی مطلوبی که از راه غنائم و خراج سرزمین‌های فتح شده فراهم شده بود موجب شد بسیاری از اقوام و گروه‌های مختلف از سرتاسر مملکت وسیع اسلامی به کوفه مهاجرت نمایند (نعمتی، ۱۳۹۱: ص ۳۵).

علاوه بر این مهاجران، قبایل متعددی از اعراب هم در کوفه اسکان یافتند که این قبایل در کنار نظامیان مستقر در شهر و همچنین مهاجران سرزمین‌های مختلف و موالی‌ها، اسرا و بردگان ترکیب خاصی به شهر کوفه داده بود. مسلماً با توجه به مرکزیتی که کوفه در عالم اسلامی یافته بود افراد بسیاری از سایر شهرها به دلایل مختلفی به این شهر کوچ کردند (رجبی، ۱۳۷۸: ص ۱۴۴). هرچه دامنه فتح در شرق گسترش می‌یافت دسته‌های بیشتری از مردم سرزمین‌های فتح شده به کوفه می‌آمدند از سرزمین‌های فتح شده بتدریج آن گروه که هنری داشتند یا صنعتی می‌دانستند یا دانشی اندوخته بودند برای بدست آوردن جاه و مقام یا نشان دادن پیشه و هنر و یا بکار انداختن استعداد خود به کوفه روی آورده بودند (شهیدی، ۱۳۶۶: ص ۱۰۱).

افزایش سریع جمعیت شهر موجب شد که تلاش برای ایجاد وحدت فرهنگی و مذهبی در بین مردم در این شهر ناکام بماند و همین عامل مهمی در بروز فتنه‌های آتی در این شهر شد. این فتنه‌ها بیشتر رنگ و بوی مذهبی داشت هرچند که عوامل دیگری هم در آن دخیل بود اما مهمترین عامل همان اختلافات مذهبی به شمار می‌رفت.

کوفه در عهد زیاد یعنی همانی که در دورانی از استبداد، تجدید سازمان و مدیریتی قوی بسر می‌برد و می‌رفت تا چهره‌ی یک شهر بخود بگیرد، طی یک نسل شاهد پنج برابر شدن ساکنان خود شد جمعیتش از حداکثر ۳۰۰۰۰ در سال ۱۷ ه‍.ق به حداقل ۱۵۰/۰۰۰ در سال ۵۳ ه‍.ق رسید (جعیط، ۱۳۷۲: ص ۳۲۱).

اضافه بر شور و شوق به دست آوردن غنائم عوامل دیگری هم در رشد جمعیت کوفه دخالت داشته است. یکی از این عوامل توجه بیش از حد عمر به کوفه بود دوم آنکه پیشرفت امپراتوری اسلام در جنگ‌ها موجب شد که مردم سرزمین‌های فتح شده، مخصوصاً ایران که شهرهای خود را در اثر تهاجم اعراب بی‌رونق می‌دیدند چون مسلمان می‌شدند به عنوان پیشه‌گر و صنعت‌گر و یا به عنوان روستایی کشاورز به کوفه کوچ می‌کردند (پاشا، ۱۳۷۸: ص ۷۷-۷۸).

کوفه با محافل با شکوه و پایتخت‌های بزرگ هم عصرش اختلاف چندانی نداشت توده‌های گوناگون مردن از نقاط مختلف به سوی این شهر روی می‌آوردند و در همین حال گروه‌های دیگری نیز در این شهر بودند که با وضعیت موجود سازگار بودند از قبیل دانشمندان درستکار، پارسایان پرهیزکار، خردمندان سیاستمدار، مالکان فرمانروا، قاتلان شورش و توده مردم. بنابراین نظرات مختلف و گرایش‌های متضادی در کوفه وجود داشت (براقی نجفی، ۱۳۸۱: ص ۳۳۵).

دسته بندی‌های مذهبی کوفه

یکی از خصوصیات بارز شهر کوفه در زمان مورد بحث، وجود ادیان مختلف و گرایش‌های متفاوت مذهبی در بین مردم آن است. این تعدد مذاهب زمینه ساز بروز اختلافات و ناسازگاری-های مذهبی و اجتماعی فراوانی شد که تقریباً در تمامی اختلافات داخلی و خارجی این شهر ردپایی از این مناقشات مذهبی دیده می‌شود. برای آگاهی از وضعیت اجتماعی مردم کوفه در آستانه قیام امام حسین (ع) بررسی شرایط مذهبی و وجود این اختلافات ضروری می‌نماید. دسته بندی‌های مذهبی کوفه با سایر دسته بندی‌های مناطق دیگر تفاوت داشت و علاوه بر وجود اقوام و مذاهب مختلف، رقابت دو شهر شام و کوفه و تضاد امویان و شیعیان در این دسته بندی متمایز، نقش فوق‌العاده مهمی داشته است.

ادیان موجود در کوفه را می‌توان دین‌های اسلام، مسیحیت، یهودیت و مجوسیت دانست. مسلمانان که اکثریت قریب به اتفاق جمعیت این شهر را تشکیل می‌دادند متشکل از اعراب و عجم‌هایی بودند که تازه مسلمان شده و بیشتر این عجم‌ها را ایرانیان تشکیل می‌دادند (صفری فروشانی، ۱۳۹۱: ص ۲۱۱). گروه‌های مختلف سیاسی و مذهبی مسلمانان را که در زمان مورد بحث در کوفه مطرح بودند می‌توان شامل سه گروه اصلی شیعه علوی، افراد حزب اموی و خوارج دانست. شیعیان را می‌توان به دو بخش بزرگان و شیعیان عادی تقسیم نمود (همان: ص ۲۱۲). از زمانی که علی (ع) در سال ۳۶ هجری به کوفه نقل مکان نمود و یا حتی زودتر از آن این شهر مرکز اصلی نهضت، الهامات، امیدها و بعضی اوقات کوشش‌های هماهنگ شیعیان شد (محمد جعفری، ۱۳۸۹: ص ۱۲۵).

کوفه پایگاه شیعیان و شام پایگاه امویان بوده و در هیچ شهری به اندازه کوفه جمعیت شیعه وجود نداشت (اسفندیاری، ۱۳۸۸: ص ۲۶۳). با این وجود شیعیان این شهر بخش اندکی از کل جمعیت آن به شمار می‌آمدند این افراد پراکنده میان قبایل بوده و به رغم آنکه برخی قبایل به تشیع

شهرت داشتند اما این گونه نبود که همه افراد قبیله و متنفذان آنها شیعه باشند. برای مثال حتی از میان قبایلی چون عبدالقیس یا حمدان که به تشیع شهرت داشتند، کسانی در کربلا حاضر بوده و در کشتن امام حسین(ع) و اصحاب آن حضرت دست داشتند. همین مقدار شیعه‌ای هم که بود از انسجام و اتحاد کافی برخوردار نبود زیرا رهبری واحد و نیرومند نداشت باید جریان شیعی شهر را دست کم در حد یک چهارم جمعیت شهر دانست (جعفریان، ۱۳۸۱: ص ۱۷۴).

بحثی که در این میان می‌تواند مطرح شود، بحث تشیع سیاسی است عده‌ای از شیعیان کوفه، شیعه سیاسی بودند نه شیعه عقیدتی. کوفیان در جنگ جمل حضوری فعال داشتند و همچنین در رقابت با شام هم به همین ترتیب و پاره‌ای از شرایط دیگر هم ایجاب می‌کرد که عده‌ای از شیعیان این شهر به تشیع سیاسی گرایش پیدا کنند که موجب می‌شد در بین شیعیان در مواقع حساس دو گانگی در تصمیم‌گیری مشاهده شود.

یکی از دلایل ناآرامی‌های اجتماعی و مذهبی در کوفه وجود شیعیان در این شهر بود که با روحیه ظلم ستیزی که داشتند، مشکلات فراوانی برای دولت امویان در دوران مورد بحث بوجود می‌آوردند و از مدت‌ها قبل هم عموماً برای شهر کوفه سعی می‌شد حاکمانی منصوب شوند که سختگیر بوده و توانایی فرونشاندن قیام‌ها و اعتراضات را داشته باشند. یکی از آن حاکمان زیاد ابن ابیه بود.

دلیل به کار گماردن زیاد بن ابیه در کوفه این بود که او شیعیان را خوب می‌شناخت و آنها را یکی بعد از دیگری تعقیب می‌کرد و به قتل می‌رسانید و یا تحت نظر قرار می‌داد. شدت عمل وی با شیعیان تا بدانجا رسید که بعضی را بر تنه‌های نخل به دار آویخت یا دست و پای آنها را قطع کرد (رجبی، ۱۳۷۸: ص ۳۱۲).

اما حزب اموی گروهی بودند که در کوفه ساکن بوده از اشراف به حساب می‌آمدند و از جمله افرادی بودند که به یزید درباره‌ی امارت نعمان بن بشیر شکایت نامه نوشتند و یزید در نامه-ای که به ابن زیاد نوشت آنان را به شیعیان خود تعبیر کرده است و نیز کسانی بودند که ابن زیاد را در کشتن مسلم بن عقیل کمک نمودند (رضوانی، ۱۳۹۰: ص ۴۷۶).

حزب اموی بر اساس همان شیوه امویان که عرب‌گرایی و برتری بخشیدن به نژاد عرب بود رفتار می‌کرد و با موالی و پیروان سایر ادیان با نگاه برتری‌جویانه برخورد می‌کرد. این موالی که در ساختار اجتماعی کوفه سهم قابل توجهی داشتند از این وضعیت بوجود آمده راضی نبودند و پیامدهای این عدم رضایت بعدها و در قیام‌هایی همچون قیام مختار خود را نمایان ساخت.

اما گروه سوم خوارج بودند که پس از جنگ نهروان تعدادی از آنها که از جنگ جان سالم به در برده بودند وارد شهر کوفه شدند و آنجا را قصد داشتند به عنوان پایگاهی برای خودشان تبدیل کنند البته تعداد آنها نسبت به دو گروه قبلی کمتر بودند.

جایگاه شهر کوفه در جهان اسلام

بدون شک کوفه یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین شهرهای جهان اسلام در دوره‌ی مورد بحث ما است. وجود روایات بسیار در مورد اهمیت شهر کوفه و ساکنان و اماکن آن، علاقه‌ی امیرالمؤمنین (ع) و عمر به کوفه، ترکیب جمعیتی خاص آن شهر، وجود شیعیان بسیار در آن که به عنوان حزب مخالف دولت امویان مطرح بودند، نزدیکی به سرزمین‌های فتح شده در ایران، وجود تعداد زیادی از صحابه معروف در کوفه، رقابت شهرهای شام و کوفه و... از جمله عواملی بودند که کوفه را تبدیل به شهری با شرایط ویژه و استثنایی کرده بود.

با وجود بحث و بررسی فراوان پیرامون تاریخ کوفه هنوز بسیاری از زوایای آن پوشیده است سزاوار است کوفه از سوی مورخان و برنامه ریزان مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد زیرا از بزرگترین شهرهای عراق است و شمار بسیاری از اصحاب و تابعان و پیروان تابعان و دانشمندان و صالحان و حاکمان و والیات و شاعران و جزء آنان در آنجا اقامت داشتند (براقی نجفی، ۱۳۸۱: ص ۱۵۰).

کوفه از جهات متعددی شرایط کاملاً مناسبی را دارا بود. در وهله‌ی نخست، عراق هیچ مشکل جمعیت نداشت و قبایل فراوانی در آنجا زندگی می‌کردند. از نظر اقتصادی نیز سواد عراق مهمترین منبع درآمد مردم این خطه بود. به علاوه خراج و جزیه فراوانی از ایران و عراق در دست مسلمانان بود که ثروتی بی‌اندازه محسوب می‌شد (جعفریان، ۱۳۷۸: ص ۲۷۲).

کوفه پس از پایه گذاری در سال ۱۷ هجری هم از لحاظ جمعیت و هم از لحاظ ثروت به سرعت رشد و توسعه پیدا کرد و اوج این گسترش با انتخاب کوفه به عنوان مرکز حکومت توسط علی (ع) همراه بود که پس از آن دیگر کوفه به عنوان پایتخت جهان اسلام مطرح بود و این امر، تبعات مثبت فراوانی از لحاظ اجتماعی و سایر موارد در پی داشت. در این دوران کوفه علاوه بر مرکزیت سیاسی از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و علمی هم از جمله مهمترین شهرهای جهان اسلام بشمار می رفت .

حضرت علی(ع) در مورد فضیلت شهر کوفه می‌فرمایند: « کوفه مصابیح راه است و بندگان مواظب بر ذکر خدای تعالی در کوفه‌اند. در آخر الزمان پر و بال مفسدان در کوفه بریده خواهد شد. کوفه قبه الاسلام است و گنج ایمان، به واسطه کوفه خدای تعالی پروبال منافقان بریده گرداند.» (اعثم کوفی، ۱۳۷۴: ص ۱۶۰)

و یا در جایی دیگر در مورد کوفه می‌فرمایند: این شهر ما و محل ما و مقر شیعیان ما است (مجلسی، ۱۴۰۳ه. ق: ص ۲۱۰).

در مورد قدمت و اهمیت بعضی از اماکن شهر کوفه هم روایات تأمل برانگیزی ذکر شده است. آقای معصومی در کتاب مسجد کوفه درباره این مسجد می‌نویسد:

« درباره‌ی قدمت مسجد کوفه روایت‌های متعدد و مختلف وجود دارد. طبق برخی از روایت‌ها، این مسجد پیش از خلقت حضرت آدم (ع) ساخته شد تا فرشتگان خدا در آنجا به عبادت مشغول شوند بنابراین عمر مسجد کوفه از عمر نسل بشر بیشتر است.» (معصومی، ۱۳۸۱: ص ۹).

همچنین حضور مجاهدان و صحابه و قرا و نویسندگان، مورخان، مفسران، علما، ادبا، و هنرمندان و شعرا به این شهر موقعیت ممتازی در طول تاریخ خود بخشیده به گونه‌ای که در هر یک از این زمینه‌ها صاحب سبک و عنوان خاص خود بوده و مکتب کوفه معرف نوع نگرش آنان به مسایل است (سجادی، ۱۳۸۴: ص ۲۶)

خصوصیات و روحیات اجتماعی مردم کوفه

برای دستیابی به یک تصویر روشن از ویژگی‌های اجتماعی جامعه‌ی کوفه در آستانه قیام امام حسین(ع) در سال ۶۱ ه.ق. و تحلیل نوع رفتارهای مردم کوفه میبایست دو نکته را در مورد این ویژگی‌ها مد نظر قرار داد:

۱- روحیات مردم کوفه

۲- واکنش‌های مردم کوفه در رویارویی با شرایط حساس

روحیات مردم کوفه

همانند تاریخ سرزمین‌های دیگر جهان، در این قسمت یعنی تاریخ شهر کوفه هم مشاهده هستیم که متأسفانه در منابع مرتبط، بیشتر به تاریخ سیاسی پرداخته شده تا تاریخ اجتماعی. این مسئله با توجه به نوع تاریخ‌نگاری آن زمان امری عادی است، تاریخ‌زندگی اجتماعی بشر و زندگی روزمره و مسائل مختلف آن که اکنون برای ما جذابیت زیادی دارد، بنابه دلائل متعددی در آن دوره کمتر مدنظر تاریخ‌نگاران قرار گرفته است. با این وجود در مورد شهر کوفه وقایع مهمی که از زمان تأسیس این شهر تا یکی دو قرن بعد از آن رخ داده و جهت‌گیری‌های خاص مردم این شهر در قبال حوادث مهم، باعث شده است که نویسندگان به روحیات و خصوصیات اجتماعی مردم این شهر نگاه ویژه‌ای داشته باشند و قدری بیشتر به جنبه اجتماعی تاریخ این شهر بپردازند.

در تاریخ اسلام و به ویژه از دیدگاه شیعیان، نام کوفه با پیمان شکنی و بی وفایی همراه است به گونه‌ای که هرگاه بخواهند کسانی را به دلیل چنین صفات ناپسندی تحقیر و سرزنش کنند آنها را به کوفیان تشبیه می‌کنند (رجبی، ۱۳۷۸: ص ۷۲). در منابع تاریخی و افواه عوام، مردم کوفه اهل غدر و خیانت دانسته شده و گفته شده است که وفای به عهد در میان آنها امری نادر است (جعفریان، ۱۳۸۱: ص ۱۷۳).

هر ملت و امتی ممکن است تلفیقی از صفات و خلیقات مثبت و منفی را داشته باشد که به تناسب زمان و در مقاطع مختلف تاریخ یک یا چند صفت او بروز نموده و صفات دیگر را تحت الشعاع قرار داده و باعث بوجود آمدن حوادثی شود این امر سبب خواهد شد که تاریخ مردم آن سامان را با آن صفت یا ویژگی بشناسد. مردم شهر کوفه نیز در مقطع تاریخی مورد بحث، هر دو دسته صفات، فضایل و رذایل را داشتند، اما از آنجاکه صفات و خلیقات منفی آنها در برخورد با امامان شیعه، همانند امام علی(ع)، امام حسن(ع) و امام حسین(ع) و نیز اهل بیت عصمت(ع) نقش ماندگار زشتی روی این شهر به جای گذاشت، لذا بیشتر نویسندگان و تحلیل‌گران تاریخ اسلام این صفات را به عنوان ویژگی‌های کوفیان ذکر می‌کنند و از صفات مثبت آنان غافل می‌مانند (صفری فروشانی، ۱۳۹۱: ص ۱۹۳).

علت بی وفایی تعداد زیادی از کوفیان را باید در پیشینه‌ی تاریخی ساختار اجتماعی و سیاسی جامعه جستجو کرد لذا چنین نیست که مردم کوفه واجد خصوصیات ذاتی بوده‌اند که همواره مرتکب بی وفایی و خیانت کاری شده‌اند (باقی، ۱۳۷۹: ص ۱۴).

به هر حال این ویژگی اخلاقی و اجتماعی بی وفایی به مردم کوفه به خاطر اقدامات عده‌ای از آنها در برخورد با اهل بیت (ع) و خالی کردن میدان نسبت داده شده است.

کوفه هر نقطه روشنی هم در تاریخ خود داشته، آنقدر در ذایقه شیعه، تلخی وجود داشت که غالباً آنها را نادیده انگاشته و از کوفه نفرت و انزجار داشت و این امر بدیهی است از طرف دیگر باید توجه داشت که بدلیل آنکه قسمت اعظم آشنایی ما با کوفه در رابطه با رمضان و محرم و وقایع آن شکل گرفته است و اکثر آکوفه سال ۶۰ و ۴۰ هجری را آن هم بصورت ناقص می شناسیم ارتباط ما با کوفه ارتباطی نفرت انگیز و سیاه است و شاید کسانی مایل باشند ارتباط مسلمین با این شهر پیوسته از همین نوع باشد امام این همه حقیقت کوفه نیست (سجادی، ۱۳۸۴: ص ۱۷)

بیزاری از کوفیان نباید پایه تحلیل و داوری در بررسی تاریخی کوفه و قیام عاشورا گردد زیرا علت، پایه‌ی تحلیل قرار می‌گیرد. حال آنکه بیزاری از کوفیان، خود معلول مجموعه‌ای از علل و عوامل است (باقی، ۱۳۷۹: ص ۴۳).

بی وفایی کوفیان

اصولاً وقتی صفت اخلاقی یا مغایر اخلاق به قوم یا دسته‌ای نسبت داده می‌شود، اگر بنا را براین بگذاریم که تعمداً از سوی نسبت دهندگان برای تمجید یا تخریب آن گروه در بین نباشد و یک جریان با سیر طبیعی براین قضیه حاکم باشد، می‌تواند نمایانگر این مسئله باشد که به هر حال این رفتار در بین آن گروه یا دسته دیده شده است. اما در مورد مردم کوفه هم آیا وضع بر همین منوال بوده است یا خیر؟

در مورد مردم کوفه شرایط پیچیده‌ای حاکم بوده است. ساختار اجتماعی خاص کوفه پیش داوری در مورد مردم آن شهر را سخت و دشوار می‌کند. هرچند در ظاهر با توجه به نحوه‌ی برخورد آنها با علی (ع)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع)، شکی در استحقاق اطلاق صفت بی وفایی به کوفیان را باقی نمی‌گذارد، اما باید شرایط حاکم بر آن زمان را مورد سنجش و بازبینی قرار داد تا به واقعیت امر پی ببریم.

آنچه بر پیچیدگی موضوع می‌افزاید وجود برخی نویسندگان و صاحب نظران مخالف مذهب تشیع است که این صفت بی وفایی کوفیان را اولاً به همه‌ی شیعیان آنها تعمیم داده و ثانیاً سعی می‌کنند این فکر را القاء کنند که دلیل شهید شدن امام حسین (ع)، شیعیان بوده‌اند که با عدم

حمایت لازم از امامشان موجب سپردن ایشان به خطرات و حوادث گردیده‌اند. در حالی که واقعیت چیز دیگری است. اولاً تمامی مردم کوفه شیعه نبوده‌اند و دشمنان اهل بیت (ع) هم در بین آنان کم نبوده‌اند که در وقوع این حوادث نقش داشته‌اند.

ثانیاً همه‌ی کسانی که به عنوان شیعه در زمان قیام امام حسین (ع) مطرح بوده‌اند شیعه اعتقادی نبوده‌اند که دشمنان تشیع بخواهند شهادت امام شیعیان را دلیل عافیت طلبی آنها بدانند. عده‌ی زیادی شیعه سیاسی در بین آنها وجود داشته که علی (ع) را برتر از معاویه و سایرین دانسته، اما به امامت ایشان با دیدهی منصوب از جانب خداوند نگاه نمی‌کردند آنها را شیعه به معنای واقعی نمی‌توان دانست.

ثالثاً، فشار بسیار زیاد دستگاه حکومتی در بوجود آمدن این شرایط برای شیعیان کوفه تأثیر زیادی داشته است. روش‌های سخت گیرانه از سوی والیان کوفه، در برگشتن آنها از تصمیمات اتخاذ شده و عدم وفاداری به پیمان‌هایشان تأثیر فراوانی داشته است. شکنجه و قتل شیعیان در آن دوران بر اراده و خواست افرادی که در مقابل حکومت و به طرفداری از اهل بیت (ع) برخاسته بودند اثر بسیار سوئی داشت.

رابعاً: بروز قیام‌های پس از حادثه عاشورا که عده‌ی کثیری در آنها با از جان گذشتگی کامل برای اظهار پشیمانی و نشان دادن همبستگی با خاندان عصمت و طهارت (ع) در آنها شرکت جستند دلیلی براین امر است که آنها در مقطعی از تاریخ دچار یک نوع سستی و عافیت طلبی شدند اما بعداً عده‌ی کثیری از آنها به اشتباه خود پی برده و با شرکت در قیام‌هایی چون توأیین و قیام مختار و ... سعی در جبران آن داشتند.

سایر خصوصیات روحی مردم کوفه

از دیگر خصوصیات روحی مردم کوفه در آستانه قیام امام حسین (ع) روحیه اشرافی‌گری بود که در بین عده‌ای از اشراف کوفه بشدت خودنمایی می‌کرد و تأثیر بسزایی در حوادث آتی داشت این تأثیرات منحصر به اشراف کوفه نمی‌شد و بر تصمیمات مردمی هم که از آنها تبعیت می‌کردند و آنها را بر خود مقدم می‌دیدند نیز تأثیر زیادی داشت.

پس از فتوحات و ورود ثروت‌های فراوان به سرزمین‌های اسلامی و از جمله کوفه، یک نوع روحیه رفاه طلبی در بین آنها بوجود آمد و در این بین افرادی صاحب ثروت بسیار فراوانی شدند و برخی از آنها در صدد استفاده از این ثروت برای کسب موقعیت اجتماعی بالاتر برآمده و با

استفاده از این موقعیت بدست آمده بر نظرات عامه مردم تأثیر می گذاشتند. از جمله این افراد، رؤسای قبایل بودند که در شهر کوفه از موقعیت اجتماعی بالایی برخوردار بودند اقدامات عده ای از آنها موجب شد در این زمان اشرافیت قبیله ای در کوفه بوجود آید که این روحیه اشرافی گری رفته رفته تبدیل به یک ویژگی اجتماعی در بین این افراد گردید.

این تکاثر ثروت و بسط روحیه شهر نشینی خود به خود کشش مندی عناصر مذهبی را تعدیل کرد (پاشا، ۱۳۷۸: ص ۷۹) که به نوبه خود در ادامه شاهد هستیم که به دلیل افول روحیه دینداری و فداکاری در راه خدا و رواج ثروت اندوزی، حمایت از خاندان پیامبر (ص) و دین خداوند هم در پی این دنیا طلبی کمتر شده و این خصوصیت فردی تبدیل به یکی از عوامل بسیار مهم در تحولات سیاسی و اجتماعی بعدی گردید.

گفته شده که عده ای در کوفه آن روزگار شدیداً تابع احساسات بوده و براساس آن تصمیم گیری و عمل می کرده اند و این به عنوان یک ویژگی روحی در بین آنها مطرح بوده است. این خصیصه را می توان با مطالعه مقاطع مختلف حیات کوفه مشاهده کرد. با سخنرانی یا عامل دیگری تحریک شده و آنها را وادار به انجام کاری کرده اما پس از فروکش نمودن احساسات از عزم خود برگشته و از ادامه آن منصرف می شدند (صفری فروشانی، ۱۳۹۱: ص ۲۰۱).

دقیقاً به خاطر وجود همین روحیات است که امام حسین (ع) ابتدا مسلم بن عقیل را برای ارزیابی ازضاع کوفه و میزان پابندی آنها به آنجا اعزام میکند و در پاسخ به نامه های آنها می نویسند:

نامه های شما به من رسید و دانستم که دوست دارید پیش شما بیایم. اکنون برادر و پسر عمویم و شخص مورد اعتماد خود مسلم بن عقیل را سوی شما فرستادم تا حقیقت کار شما را بداند و آنچه را از اجتماع شما بر او روشن می شود برای من بنویسد اگر همانگونه باشد که نامه های شما و گفتار فرستادگان شما حاکی از آن است به خواست خداوند متعال زود پیش شما خواهم آمد (دینوری، ۱۳۸۱: ص ۲۷۸).

برخی از مردم کوفه به داشتن یک روحیه فریب کاری و حيله گری نیز معروف شده اند و این خصوصیت روحی هم ظاهراً در بین آنها رایج بوده است.

این خصیصه به قدری در میان کوفیان مشهود بود که عرب، ضرب المثل «اغدر من الکوفی» به معنی «فریب کار تر از کوفی» را از آن ساخت. (صفری فروشانی، ۱۳۹۱: ص ۲۰۲)

همچنین روحیه نظام ناپذیری که نشأت گرفته از روحیات عرب بدوی بود در بین عده‌ای از کوفیان مشهود بود. این ویژگی باعث می‌شد که تا آنان بطور مداوم با امیران و والیان خود نزاع داشته باشند. کوفیان که در میان آنها صحابه و قاریان فراوانی وجود داشتند خود را در بیشتر مسائل حکومتی و جنگی صاحب نظر دانسته و در مقابل حکومت بر نظر خود پافشاری می‌کردند (همان: ص ۲۰۱).

مسعودی در این رابطه روایتی از محمد بن حبيب نقل می‌کند که می‌گوید: صعصعه بن صوحان نزد معاویه رفت و معاویه به او گفت: ای ابن صوحان تو که از احوال مردم عرب اطلاع داری، مرا از حال اهل کوفه خبردار کن. گفت: کوفه قبه الاسلام و اوج سخن و محل بزرگان است ولی در آنجا اوباشی هستند که مانع کسان از اطلاعات سران می‌شوند و آنها را از جمع بدر می‌برند (مسعودی، ۱۳۷۸: ص ۴۵).

در مجموع می‌توان گفت که دستخوش احساسات تند شدن، قابلیت تحریک آنی، عاقبت نیندیشی، اخذ تصمیم سریع و پشیمانی فوری از تصمیم گرفته شده از مختصات تعداد زیادی از این مردم است (شهیدی، ۱۳۶۶: ص ۱۰۲).

البته باید به این نکته هم توجه داشت که ترکیب قبایلی شهر بر این تغییر موضع‌های سریع مؤثر بوده است. حساسیت قبیله‌ای آنها رابعضاً گرفتار تندخویی کرده بود به طوری که با دیدن مقطعی‌ترین امور، خیلی‌ها تصمیم اتخاذ می‌کردند (جعفریان، ۱۳۸۷: ص ۳۷۰).

واکنش مردم کوفه در شرایط سرنوشت ساز

با توجه به اهمیت حوادثی که در خصوص شهر کوفه در زمان مورد بحث مطرح بوده است در بررسی بعد اجتماعی واکنش مردم این شهر در قبال حوادث، چند نکته حائز اهمیت است اولاً اینکه روحیات بخش از عظیمی از مردم کوفه در جهت گیری‌هایی که در مورد این حوادث داشتند نقش مهمی داشته است، ثانیاً فشاری که از سوی دولت حاکمه بر افراد خواهان تغییر و تحول وارد می‌شد بسیار سنگین و طاقت فرسا بوده و آنها را در محدودیت شدیدی قرار داده است. ثالثاً، اغلب تصمیم گیری‌ها در لحظات سرنوشت ساز در بین عده‌ای از مردم کوفه بصورت شتابزده و نابجا گرفته شده است. همانند تنها گذاشتن علی (ع)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع).

شهر کوفه علاوه بر داشتن خاصیت مهاجر نشینی، جنبه‌ی قبیله‌ای را هم توأمان داشته است و به این ترتیب از لحاظ اجتماعی شاهد معجونی از گرایش‌ات، عقاید و رسوم و رفتارهای متضاد و

متنوع هستیم که توجیه کننده رفتارهای غیر قابل پیش بینی عده‌ای از مردم کوفه در مقاطع مختلف و حساس بوده است.

قبل از وقوع حادثه عاشورا سلیمان بن صرد هم نیک می‌دانست که احساسات امروز مردم را نمی‌توان ملاک اطمینان گرفت. بسا همین مردم، فردا که حسین بن علی(ع) قیام کرد و تمام قدرت بنی امیه برای کشتن او به کار افتاد و راه یآوری او دشوار و خطرناک شد روی از وی برتابند(آیتی، ۱۳۸۱: ص ۴۳).

مردم کوفه یعنی آنان که پس از خبر یافتن از مرگ معاویه در خانه‌ی سلیمان بن صرد خزاعی جمع شدند و سخنرانی کردند و وضع موجود مسلمانان را مورد بررسی قرار دادند و همچنین مردمی که پس از آمدن مسلم به کوفه به نزد وی رفت و آمد می‌کردند و با وی به عنوان نایب خاص امام زمان خود بیعت می‌کردند واقعاً در مقام دروغ گفتن و فریب دادن امام خویش نبودند و نمی‌خواستند مقدمات شهادت و اسارت خاندانش را فراهم سازند. (همان: ص ۴۹)

مردم کوفه طی سی سال چند واقعه را تجربه کرده بودند، حکومت عثمان و انقلاب مردم علیه او، حکومت امام علی(ع) و جنگ‌های جمل و صفین و نهروان و بعد حکومت معاویه و حوادث دوران او. کوفه به عنوان شهری که نزدیک به پنج سال یکی از مهمترین شهرهای عراق به شمار می‌رفت بیش از همه شاهد این وقایع بود، مردم آن به همین دلیل از آگاهی سیاسی بیشتری برخوردار بودند و به همین دلیل نیز در دعوت از حسین به علی(ع) پیشقدم شده بودند (باقی، ۱۳۷۹: ص ۴۵-۴۶).

در اینجا هم شاهد این مسئله هستیم که ابتدا شور و احساسی در بین عده‌ای کثیری از کوفیان بوجود آمده و درصدد هستند اقدامی علیه نظام حاکم انجام بدهند اما با تغییر شرایط به جز تعداد اندکی از آنان بر تصمیم اولیه خود پابرجا نمی‌مانند و از ادامه دادن این مسیر منصرف می‌شوند. اما همان طور که گفته شد نکته بسیار مهم در این بین شرایطی است که حکومت برای مردم کوفه در آن عصر رقم می‌زد.

روزی که نعمان به بشیر انصاری با ملایمت و نرمی و مدارا شهر کوفه را اداره می‌کرد، شیعیان پرچوش و خروش بودند و همه جا و در هر مجلس دم از یاری امام حسین(ع) می‌زدند و می‌نوشتند که ما نعمان بن بشیر را تا دروازه شام بدرقه خواهیم کرد. اما روزی که عبدالله بن زیاد حکومت کوفه را بدست گرفت، با سابقه‌ای که مردم از پدرش زیاد و نیز از خودش داشتند، فکر مردم عوض شد و روحیه مردم تغییر کرد (آیتی، ۱۳۸۱: ص ۵۰ و ۴۹).

البته نکته قابل توجهی هم در مورد عده ای از مردم کوفه در آن عصر وجود داشته که آن عده خودشان خواستار حضور یک حکومت دیکتاتوری بود. این افراد با انگیزه های مختلفی همچون حفظ منافع و ثروت شخصی و یا نیاز داشتن به یک فضای همراه با آرامش و بدون درد سر برای داشتن زندگی آرام خواستار چنین حکومتهایی بودند. بخشی دیگر هم تمایلات شدید اموی داشته و برای تحکیم پایه های آن حکومت در مقابل انقلابها و شورشها از دولت حمایت می کردند.

بعنوان مثال وقتی نعمان بن بشیر در مسجد کوفه خطاب به مردم می گفت که «من خفته را بیدار نکنم و بیدار را نترسانم اگر به سر اطاعت آیی از شما عفو کنم و الا شمشیر را کارفرمایم، می زنم، می کشم و به شمشیر پاره کنم، اگر چه تنها باشم از این جنگ باک ندارم». عبدالله بن مسلم حضرمی برخاست و گفت «رایی که امیر می زند رای مستضعفین است و قوتی ندارد و تو اینکه می گویی نکنی و نتوانی کرد».

عبدالله بن مسلم از دوستان یزید بود و بعد از آن از یزید خوست تا نعمان ابن بشیر را برکنار کند. (ابن اثم کوفی، ۱۳۷۲: ص ۸۴۴)

عوامل تاثیر گذار بر رفتار گروهی کوفیان در آستانه قیام کربلا

مسائل اجتماعی از هر قبیل که باشد هرگز در خلأ صورت نمی گیرد و هر واقعه به گونه ای بسیار حساس ریشه در گذشته دارد که البته تعیین هویت این عناصر و نحوه ی عملکرد آنها کاری است بسیار پیچیده و شدیداً نیازمند به قدرت فکری و علمی افراد متخصص (پاشا، ۱۳۷۸: ص ۱۶).

پدیده های اجتماعی بر خلاف بسیاری از پدیده های طبیعی، ابعاد مختلف دارند و عوامل گوناگونی در پیدایش آنها موثر است یک نهضت ممکن است از جهتی ماهیت دفاعی و از جهتی دیگر ماهیت تهاجمی داشته باشد (نصیری، ۱۳۸۴: ص ۱۶۵)

برای بررسی عواملی که بر رفتارهای گروهی مردم کوفه در آن مقطع تاثیر گذاشتند می بایست دو دسته از عوامل بررسی شوند. ابتدا عواملی که موجب تهییج و جوش و خروش اجتماعی شدند و در ادامه باید به مجموعه عواملی اشاره کرد که این روحیه انقلابی را از جامعه کوفه سلب کرد یعنی همان بازدارنده هایی که آنها را مسخ کرد و در خانه هایشان نشاند تا نظاره گر حوادث باشند.

عوامل محرک جنبشهای اجتماعی مردم کوفه که جنبه مذهبی آن نسبت به سایر جنبه های دیگر پر رنگ تر بود عبارتند از:

نارضایتی شدید از طرز حکومت امویان و به ویژه رفتارهای وقیحانه یزید

اکثریت مردم کوفه به هیچ وجه حاضر نبودند یزید را به عنوان خلیفه مسلمانان بپذیرند. عده ای از آنها یزید را دیده و به شخصیت او آگاه بودند و بقیه نیز اوصاف اعمال و رفتار او را شنیده بودند و به همین جهت بلافاصله عکس العمل نشان داده و شروع به تبلیغ علیه او کردند. تصویری که از شرایط کوفه در آن زمان می توان دست داد چنین است: یزید کسی بود که گرچه برای مردم شام تحملش آسان بود اما برای مردمی چون مردم عراق تحملش دشوار بود (جعفریان، ۱۳۸۱: ص ۱۷۵). یزید نماینده واقعی شیوه زندگی معمول جوانان دوره جاهلیت بود و رفتار ضد اسلامی و فساد آشکارش در جهان اسلام مشهور بود. حتی نویسندگان معدودی که در پنهان ساختن اطلاعات نامطلوب خاندان اموی می کوشند نمی توانند از بیان این گزارشها خودداری کنند که یزید اولین خلیفه باده گسار در حضور مردم است. (نصیری، ۱۳۸۴: ص ۱۶۴)

اعتقاد درونی پایه گذاران اصلی حرکت به مذهب تشیع

عامل اصلی تحرک کوفه، وجود شیعیانی بود که در قبال شرایط بوجود آمده احساس تکلیف می کردند و به همین لحاظ دور هم گرد آمدند و چاره اندیشی کردند. در میان مردم کوفه شیعیان مخلص فراوانی وجود داشتند که اعتقاد قلبی به امامت امام حسین (ع) داشتند و بنابراین با توجه به عدم بیعت امام (ع) با یزید بشدت شروع به جانبداری از ایشان کردند.

انگیزه های مادی

همانند خیلی از تحرکات اجتماعی در این مورد نیز شاهد آن هستیم که انگیزه های مادی، عده ای را به پای این حرکت کشاند. ارتقا بخشیدن به جایگاه غیر عرب که در آن زمان توسط بنی امیه به شدت نزول یافته بود توسط عده ای از این غیر عرب ها پیگیری می شد و رقابت دیرینه شام و عراق نیز تأثیر بسزایی در شکل دهی به این حرکت داشت.

پادشاهان حیره دست نشاندگی ساسانیان بودند و غسانیان در شام از امپراتوری روم فرمان می بردند، رقابت این دو دولت بزرگ در افروختن آتش میان مردم این دو منطقه اثری بزرگ نهاده بود پس از اسلام نیز این رقابت همچنان برجا می ماند، مخصوصاً از روزی که کوفه تبدیل به مرکز

خلافت گردید (شهیدی، ۱۳۶۶: صص ۱۰۴ و ۱۰۳) کوفه قطب مخالف شام بود و پیشتر مرکز خلافت امیرالمؤمنین (ع) و امام حسن (ع) و رویاروی پایتخت معاویه (اسفندیاری، ۱۳۸۸: صص ۲۶۳ و ۲۶۲).

اما عواملی که موجب فروکش کردن روحیه انقلابی بوجود آمده در بین مردم کوفه شد و آن کوفیان پرشور را به تماشاگرانی ساکت در برابر شهادت مسلم و واقعه کربلا کرد عبارت بودند از:

ایجاد حکومت نظامی و فضای رعب و وحشت در کوفه توسط عبدالله بن زیاد

کمتر مردمی می‌توان یافت که بتوانند با وجود دیکتاتوری مسلط و جسور، دست به مخالفت زده و در برابر قدرت حاکم اظهار سرکشی بکنند هنگامی که نعمان بن بشیر حاکم کوفه بود مردم با سهل‌گیری او به راحتی اظهار تشیع کردند و زمانی که مسلم به کوفه آمد بشدت از او حمایت کردند. عوض شدن حاکم و جایگزینی ابن زیاد به جای ابن بشیر، اوضاع را به کلی عوض کرد. خشونت ابن زیاد بسیاری از مردم را به هراس انداخت و کسانی که زود رنج بوده و عجولانه تصمیم‌گیری می‌کردند نه تنها از ناحیه ابن زیاد خود را در معرض تهدید دیدند، بلکه در اثر تبلیغات ابن زیاد برآمدن قریب الوقوع سپاه شام به کلی خود را باختند (جعفریان، ۱۳۸۹: ص ۱۷۶). موقعیت کوفه چنان وحشتناک بود که حتی اگر رئیس قبیله ای با ابن زیاد مخالفت می‌کرد افراد قبیله جرات نداشتند از وی حمایت کنند. (نصیری، ۱۳۸۴: صص ۱۷۰ و ۱۶۹)

آری آن شور و شوق وصف ناشدنی برای ورود امام حسین (ع) به کوفه جایش را به سکون و تسلیم در برابر تهدیدات و جنایات ابن زیاد داده بود. در یکی از نامه‌های فراوان مردم کوفه به امام حسین (ع) چنین آمده بود:

«بشتاب به زودی به نزد ما، زیرا که مردم چشم به راه تو هستند و اندیشه‌ای جز تو ندارند پس بشتاب، بشتاب، سپس بشتاب، بشتاب» (شیخ مفید، ۱۳۸۴: ص ۵۰).

این نوع عبارات در نامه‌های کوفیان به امام حسین (ع) فراوان به کار رفته است که گویای اشتیاق سیری ناپذیر آنها به ورود امام (ع) به کوفه بوده است. اما نقش یک حکومت دیکتاتوری و خونریز در اینجا به عنوان یک سرکوب‌گر قدرتمند و در عین حال خشن، نقش خود را بخوبی ایفا کرد و در برابر این هیجانات ایستادگی کرده و شرایط را به نفع حکومت تغییر داد. به هر حال عده‌ی کثیری از کوفیان مرعوب این اقدامات حکومت گردیده و طی یک واپس‌گرایی شدید، کسی را که با اصرار فراوان به کوفه دعوت کرده بودند تنها گذاشته و به حوادث ناگوار سپردند.

البته برای قضاوت در مورد اقدام کوفیان، می‌بایست شرایط را نیز در نظر گرفت، با وجود شرایط پیش آمده، هر نوع اقدام مخالف با سیاست‌های ابن زیاد با سرکوب سریع و بسیار سخت مواجه می‌شد و کسی که قصد داشت به دعوتش از امام حسین (ع) وفادار باشد می‌بایست جان‌ش را در این راه فدا بکند. با در نظر گرفتن این وضعیت می‌بایست اقدام اهل کوفه در آن مقطع مورد بررسی قرار گیرد.

قرن‌هاست که بسیاری از مردم اهل کوفه را برای این بی وفایی و پیمان شکنی ملامت کرده‌اند و چنان که به اصحاب و یاران با وفای امام (ع) درود و سلام فرستاده‌اند اینان را لعن و نفرین کرده‌اند. اما انصاف این است که مردم کوفه برخلاف معمول و عملی که موجب حیرت باشد انجام نداده‌اند و هر دو کارشان براساس قاعده بود. هم آن نامه‌ها که نوشتند و هم آن شمشیرها که بر روی امام (ع) کشیدند. روزی که وضع آرامی داشتند و شمشیرها در نیام بود حق و باطل را از یکدیگر باز شناختند، اما روزی که در نشیب و فراز امتحان قرار گرفتند باز همان چه را که معمول غالب مردم بوده انجام دادند. یعنی از حق و اهل حق فاصله گرفتند (آیتی، ۱۳۸۱: ص ۵۶ و ۵۷).

مورخان و محدثان قدیم، که وابسته به مکتب شام بودند، چهره‌ای بسیار منفی از این شهر به دست داده‌اند. شماری از شیعیان نیز برای نشان دادن مظلومیت امام حسین (ع) و تنهایی او در میان شیعیان می‌گویند امام حسین (ع) را شیعیان کشتند. گویا عمر بن سعد و شمر از شیعیان امام (ع) بودند (اسفندیاری، ۱۳۸۸: ص ۲۳۱).

از مردم کوفه عجیب نیست که زندگی خود را فدای وظیفه نکردند و کسانی که بسیار از کار اینان در شگفت باشند باید اول خود را در همان شرایط و اوضاع ببینند و انصاف دهند که در چنان محیطی و چنان وضعی آیا جز آنچه مردم کوفه کردند انجام می‌دادند؟ عجب از آن مردمی است که با هر وضعی که پیش آمد و با همه گرفتاری‌ها پایداری کردند و تا پای جان در راه یاری حق ایستادند و جان برسر این کار گذاشتند (آیتی، ۱۳۸۱: ص ۵۸).

جمله فرزندق شاعر در این مورد جالب توجه است که زمانی که امام حسین (ع) به صفاح رسید، فرزندق شاعر مشهور او را در آن محل ملاقات کرد امام حسین (ع) از او پرسید از پشت سر خود چه خبر داری؟ گفت: قلوب مردم با تو ولی شمشیرهای آنها با بنی امیه است (ابن اثیر، ج ۵: ص ۱۴۰).

سستی اراده و عافیت طلبی

عده‌ای از افرادی که خواهان حضور امام حسین(ع) در کوفه و آغاز قیام علیه حکومت یزید بودند فاقد آن ایمان محکم و استواری بودند که تا پای جان بر سر عقیده خود ایستاده و از حریم اهل بیت(ع) دفاع کنند.

دنیا پرستی و عافیت طلبی این عده مانع از ادامه کار و رویارویی آنها با دشمن گردید و تنها عده‌ی اندکی از آنها تا پایان کار ایستاده و مقاومت کردند. ورود ثروت‌های فراوان پس از فتوحات به این منطقه و بهره‌مندی آنها از این ثروت‌ها موجب شده بود تعداد زیادی از آنها از آن روحیه ساده زیستی و فداکاری در راه اسلام دور بشوند و منافع شخصی خود را به مصالح اجتماعی ترجیح بدهند. این عده در گذشته هم این چنین عمل کرده بودند.

حضرت علی(ع) در زمان خودشان در شرایطی مشابه در مقابل این عافیت طلبان قرار گرفته بودند و گلایه‌هایی از دنیا طلبی و سستی آنها داشتند از جمله در نهج البلاغه از قول ایشان آمده است که :

« آیا نیست حمیت و غیرتی که شما را تکان بدهد . در میان شما ایستاده و فریاد کنان یاری و همراهی می‌طلبم، سخن مرا گوش نمی‌دهید و فرمانم را پیروی نمی‌کنید تا اینکه پیش آمده‌ای بد هویدا گردد توسط شما خونخواهی نمی‌توان نمود و به همراهی شما مقصودی حاصل نمی‌شود.» (سید رضی، ۱۳۷۰: صص ۱۲۵ و ۱۲۴)

در آستانه قیام کربلا هم این وضعیت در کوفه وجود داشته و بجز اندکی از آنها، مابقی به کنجی خزیده و نظاره گر حادثه بسیار تلخ و دردناکی در تاریخ شدند.

وجود اشرافیت قبیله‌ای در کوفه

مردم کوفه مجموعه‌ای از قبایل مختلفی بودند که هر کدام در یکی از محلات شهر زندگی می‌کردند و به جز امیر شهر، رؤسای قبایل نفوذ کلی در میان طایفه و عشیره خود داشتند (جعفریان، ۱۳۸۱: ص ۱۷۴). نقش طبقات بالا و اشراف در جنبش‌های سیاسی اجتماعی همواره مهم و گاه تعیین کننده بوده است. می‌دانیم که عراق پل ارتباطی آسیا و آفریقا بود و تجارت از مشاغل پررونق کوفه و عراق به شمار می‌رفت. طبقه اشراف و تجار از طبقات ذی نفوذ بودند (باقی، ۱۳۷۹: ص ۳۰).

در ساختار اجتماعی کوفه دوران مورد بحث ما اشرافیت قبیله‌ای بطور جدی حضور داشته است این حضور از همان تأسیس شکل گرفته و بتدریج و با افزایش ثروت گسترش یافت. عده‌ای از این اشرافیت از تغییرات استقبال نمی‌کردند و برای حفظ دارائی‌ها و موقعیت خود ترجیح می‌دادند که فضای امنی در آن شهر برقرار باشد. از این روی این افراد به عنوان یک عامل بازدارنده در این زمان عمل می‌کردند هر چند که در بین آنها نیز معدود افرادی بودند که با اخلاص، خواستار تغییر حکومت و برقراری آن توسط ائمه (ع) بودند.

اشراف کوفه تا پیش از قیام به تجارت و پیشه خویش مشغول بودند و همبستگی ویژه‌ای نه با حکومت و نه با مردم داشتند آنان از یکسو به خاطر بی حیثیتی حکومت یزید و در مقابل آن حرمت فرزند رسول خدا (ص) و از طرف دیگر به خاطر گستردگی نارضایتی‌ها و نیز از روی عقل دور اندیش و حسابگر خود به دعوت مسلم لیبیک گفتند (باقی، ۱۳۷۹: ص ۳۱).

اما اشرافیت مورد بحث ما در اینجا کسانی هستند که با ظهور انقلاب مخالف بودند و به منافع شخصی و قبیله‌ای فکر می‌کردند. این افراد در سست کردن اراده و ترساندن مردم از ابن زیاد و پراکنده کردن هواداران مسلم نقش مهمی ایفا کردند. در این بین می‌بایست به مسئله تعصبات قبیله‌ای هم اشاره‌ای بکنیم.

تعصبات قبیله‌ای در جامعه‌ی چند پاره‌ی کوفه همواره بیم تبانی برخی علیه برخی دیگر یا با حکومت و همچنین افول و یا حذف یک قبیله در ائتلاف‌ها و اختلاف‌ها را قوت می‌بخشید و صرف نظر از این نگرانی‌ها، اصولاً تعصبات قبیله‌ای مانع وفاق اجتماعی مورد نیاز برای یک جنبش اجتماعی بوده و اگر وفاقی هم سامان بگیرد شکننده خواهد بود. بویژه اگر شرافت‌های قبیله‌ای و انتساب به بزرگان و مکتب و تمول هم در کار باشد (باقی، ۱۳۷۹: ص ۴۴-۴۵).

عدم وجود اتحاد و همبستگی بین گروه‌های مخالف حکومت

یکی از ویژگی‌های اجتماعی شهر کوفه وجود گروه‌های اجتماعی مختلف در آن بوده است. گروه‌های مذهبی و نژادی گوناگون که هر کدام دارای افکار و گرایش‌های خاص خود بوده است. این وضعیت موجب عدم یکپارچگی این گروه‌ها و اقوام هنگام تصمیم‌گیری‌های مهم و حیاتی برای شهر می‌شده است. قبل از ورود کاروان امام حسین (ع) به صحرای کربلا هم عدم اتحاد بین این گروه‌ها که علاوه بر تفاوت در دین و مذهب در نژاد و قبیله هم متمایز از هم بود موجب چند صدایی در بین آنها شده و نهایتاً تبدیل به یکی از عوامل بازدارنده در راه اتحاد این مردم در برابر

حکومت امویان شد. سال‌ها پیش از این زمان و در دوران امام علی(ع)، ایشان به این متحد نبودن اشاره داشته بودند.

عبدالله بن حارث بن سلیمان از پدرش روایت می‌کند که گفت علی(ع) می‌گفت: به یقین این قوم بر شما غلبه می‌کنند زیرا شما با آنکه بر حقیق پراکنده‌اید و آنان با آنکه بر باطل هستند متحدند (ابن هلال ثقفی، ۱۳۷۴: ص ۲۳۰).

نکته‌ای که در اینجا قابل طرح است اینکه در زمان ورود مسلم به کوفه، مردم همانطور که قبلاً عنوان گردید عموماً متحد و یک دل بودند و حداقل در ظاهر همه‌ی آنها یک صدا به طرفداری از امام حسین(ع) برخاسته بودند هر چند عناصری نیز میان آنها بودند که مخالف و یا بی تفاوت در برابر این جریان بودند اما اکثریت خود را برای یک قیام عمومی آماده کرده بودند و یک حرکت اجتماعی بزرگ در حال شکل گیری بود

شیعیان که خبر ورود حضرت مسلم را دریافتند، دسته دسته جهت خیر مقدم و اظهار اطاعت و فرمانبرداری از او به دیدنش می‌آمدند و مسلم نیز از استقبال و توجه مردم خوشحال و خرسند بود و در همان اجتماع مردم که به دیدنش می‌آمدند نامه‌ی حضرت سید الشهداء(ع) را برایشان می‌خواند و آنان نیز از خوشحالی گریه می‌کردند. (مقرم، ۱۳۸۶: ص ۶۶ و ۶۵)

اما این اتحاد و همدلی سرانجام در مسیر درست و منطقی خود بنا به دلایلی که ذکر گردید هدایت نشد و نهایتاً اجتماع مردم کوفه برای یک قیام بزرگ و تلاش برای برقراری حکومت امام حسین(ع) در این شهر به زودی از هم پاشید و تعداد اندکی از آنها تا پایان به عهد خود وفادار ماندند.

سیاست‌های فریبنده اجتماعی امویان

امویان برای تداوم حکومتی که بطور کامل مغایر با حکومت رسول الله بود و اساس آن کامیابی‌ها و لذا ید دنیوی آنها بود نیاز داشتند تا بر مردمی حکمرانی بکنند که با اسلام واقعی آشنایی هر چه کمتری داشته باشند. برای دستیابی به این هدف معاویه در دوران مورد بحث ما فعالیت‌های گسترده‌ای در راستای بی اطلاع نگاه داشتن مردم در بعد مذهبی و اجتماعی انجام داد.

اما وضعیت کوفه با شام خیلی تفاوت داشت اکثریت شامیان از همان ابتدا معاویه را بعنوان رهبر دین می شناختند و حرف‌های او که در جهت مخدوش کردن چهره علی(ع) گفته می شد و همچنین خیلی اقدامات ضد دینی دیگر او را از روی نا آگاهی براحته پذیرفته بودند ولی بر خلاف

آنها کوفیان سالها در کنار علی (ع) بوده‌اند و رفتار و مشی او را دیده بوده‌اند و با اسلام واقعی آشنایی داشتند. اما بهر حال تبلیغات ضد دینی معاویه آثار منفی زیادی را در کوفه بر جای گذاشت.

از سویی دیگر سیاست گمراه سازی دینی امویان وضع نامطلوب اجتماعی و دینی را که در جامعه اسلامی حکمفرما بود توجیه کرده و باعث می شد توده های مسلمان از انتقاد و اعتراض لب فرو بسته کوششی به منظور بهتر ساختن وضع خود به عمل نیاورند و بدین وسیله احساس گناه که هنگام شدت فشار و لبریز شدن کاسه صبر ، باعث انقلاب می شود، در دل های توده ها از بین می رفت (شمس الدین، ۱۳۷۹: ص ۱۱۹). کم‌رنگ شدن حمیت دینی در بین مردم که سیاستهای ضد دینی معاویه عامل اصلی آن بود موجب شد که عده ای از مردم کوفه تحت تاثیر شرایط محیطی قرار گرفته و در برابر جریانات سیاسی و اجتماعی آتی منفعل عمل کنند.

نتیجه گیری

وضعیت اجتماعی کوفه در آستانه قیام امام حسین (ع) از جهات زیادی متفاوت از دیگر شهرهای سرزمین‌های اسلامی بوده است. تازه تاسیس بودن شهر و وجود گروه‌های مختلف اجتماعی و مذهبی و مهاجرانی فراوان از سرزمینهای مختلف در کنار اشرافیت قبیله ای، از ویژگی‌های خاص آن شهر بوده و در موقعیت‌های آتی و بخصوص در حادثه کربلا، این ویژگیها تأثیرات خود را بصورت چشمگیری به نمایش گذاشت.

از جمله گرایش‌های مهم مذهبی مردم کوفه تشیع بوده است. دعوت از امام حسین (ع) و گرد آمدن به دور مسلم بن عقیل و بلافاصله تنها گذاشتن او توسط کوفیان و در ادامه آن موضع اتخاذ شده آنها در قبال واقعه کربلا باعث وارد شدن اتهامات فراوانی توسط عده کثیری از مورخان، جامعه شناسان و طیف مذهبی مردم به کوفیان شده است. این اتهامات بعضاً صحیح و برخی نیز بدون در نظر گرفتن شرایط و با یکسونگری همراه بوده است. در بسیاری موارد نسبت‌هایی به مردم کوفه داده شده است که به تمامی آنها و کلیه اعصار تعمیم داده شده است.

با توجه به اینکه معمولاً، این شهر بعنوان پایگاه تشیع شناخته می شود، به این ترتیب بسیاری از این نسبتها متوجه شیعیان می گردد و عده ای هم از این فرصت سو استفاده کرده و علت شهادت امام حسین (ع) را شیعیان می دانند که آن حضرت را تنها گذاشته و از او حمایت نکردند.

اما این واقعیت ماجرا نبوده است، اولاً همه مردم کوفه شیعه نبوده اند و شیعیان بخشی از جمعیت کوفه را تشکیل می داده اند و ثانیاً آن تعداد شیعه ای هم که حضور داشته اند همگی شیعه به معنای واقعی اعتقادی نبوده اند، بسیاری از آنها تشیع سیاسی داشته اند به این معنا که بدون اعتقاد به نص صریح در مورد امامت و واجب بودن اطاعت از ایشان معتقد به شایستگی آنها در امور سیاسی بوده اند و بنابراین آنها را نمی توان جزو شیعیان به حساب آورد.

بعد ها بسیاری از کوفیان با قیامهای پس از حادثه عاشورا که حاکی از ندامت آنها بوده نشان دادند که

دعوت آنها از امام حسین (ع) برای فریبکاری و به شهادت رساندن آنحضرت نبوده و آنها در دعوت خود صداقت داشته اند اما بنا بدلایلی که مهمترین آنها عافیت طلبی بوده بجز عده اندکی از آنها مابقی آن برخورد را با مسلم بن عقیل و در ادامه با امام حسین (ع) داشته باشند.

منابع

- اسفندیاری، محمد، عاشوراشناسی، قم، انتشارات صحیفه خرد، ۱۳۸۸.
- اعثم کوفی، احمد بن علی، الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
- ابن اثیر، عزالدین علی، تاریخ کامل، ترجمه عباس خلیلی، ج ۵، تهران، شرکت چاپ و انتشارات علمی، بی تا.
- آیتی، محمدابراهیم، بررسی تاریخ عاشورا، قم، انتشارات امام عصر (عج)، ۱۳۸۱.
- باقی، عمادالدین، جامعه شناسی قیام امام حسین (ع) و مردم کوفه، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹.
- براتی نجفی، سیدحسین، تاریخ کوفه، ترجمه سعید رادرحیمی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱.
- ثقفی، ابن هلال، الغارات، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۴.
- پاشا، ابراهیم، نهضت کوفه از دیدگاه روانشناسی اجتماعی، تهران، نشر آتیه، ۱۳۷۸.
- جعفریان، رسول، تأملی در نهضت عاشورا، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۸۱.
- جعفریان، رسول، تاریخ خلفا، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۷.
- جعیط، هشام، کوفه پیدایش شهر اسلامی، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- دینوری، ابوحنیفه، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱.
- رجبی، محمدحسین، کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۷۸.
- رضوانی، علی اصغر، واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۹۰.
- سجادی، سیدعلی رضا، شهری برای عبرت، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۸۴.
- سیدرضی، نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، تهران، انتشارات فیض الاسلامی، ۱۳۷۰.
- شمس الدین، محمد مهدی، ارزیابی انقلاب امام حسین (ع)، ترجمه مهدی پیشوایی، تهران، موسسه الست فردا، ۱۳۷۹.
- شهیدی، سیدجعفر، قیام حسین علیه السلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶.
- صفری فروشانی، نعمت الله، کوفه از پیدایش تا عاشورا، تهران، نشر مشعر، ۱۳۹۱.

- طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۵، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۲.
- ماسینیون، لویی، جغرافیای تاریخی کوفه، ترجمه عبدالرحیم قنوت، تهران، انتشارات سم، ۱۳۸۸.
- محمدجعفری، سیدحسین، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه سیدمحمدتقی آیت اللهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ه.ق.
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۲، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
- معصومی، علی، مسجد کوفه، تهران، انتشارات پیام محراب، ۱۳۸۱.
- مفید، الارشاد، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، ج ۲، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴.
- مقرر، سید عبدالرزاق، مقتل مقرر، ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم، انتشارات نوید اسلام، ۱۳۸۶.
- نعمتی، فرهاد، نقش کوفه در گسترش تشیع تا قرن چهارم هجری، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۱.
- نصیری، محمد، تحلیلی از تاریخ تشیع و امامان علیه السلام، تهران، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴.

